

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و پنجم

پائیز ۱۴۰۲

بررسی تحلیلی تعامل ائمه علیهم السلام با دو رویکرد عقل گرا و نص گرا؛
مطالعه تطبیقی گونه‌های مواجهه صادقین علیهم السلام با سران معتزله و اصحاب اثر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۲/۱۲

^۱ محمدعلی توحیدی‌نیا

^۲ مجید کافی

^۳ روح‌الله توحیدی‌نیا

عقل‌گرایی و نص‌گرایی از چالش‌برانگیزترین موضوعات تاریخ تفکر اسلامی بوده و نخستین نشانه‌ها و ثمرات خود را در تفکر و عمل اصحاب اثر و معتزله نشان داده است. در نوشته حاضر پس از طرح مهم‌ترین گونه‌های مواجهه صادقین علیهم السلام با این دو گروه، تطبیق گونه‌ها در دستور کار قرار گرفته تا راه برای تحلیل اشتراکات و اختلافات مواجهه گشوده شود. فرضیه تحقیق این بود که رویکرد مشترک صادقین علیهم السلام در ارتباط با سران اصحاب اثر، مبتنی بر مراجعه به سنت نبوی برای فهم دینی بود؛ در کنار مواجهه‌ای سنجیده با معتزله به دلیل ضرورت اصلاح چگونگی بهره‌گیری از عقل در فهم دینی. یافته‌های پژوهش نمایانگر تعدد گونه‌های همگرایی با

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام (ma.tohidinia@gmail.com).

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (Mkafi@rihu.ac.ir).

۳. دانش‌پژوه حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته دانشگاه تهران (roholahthohidi@yahoo.com).

اصحاب اثر در برابر تعدد گونه‌های واگرایی با معتزله است. البته جز رویکردهای حدیثی و عقلی، متغیرهای دیگری هم در نوع مواجهه با این دو فرقه مؤثر بوده است.

کلیدواژگان: امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، عقل‌گرایی، نص‌گرایی، معتزله، اصحاب اثر.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسایل پرچالش که از گذشته تا کنون دانشمندان جهان اسلام را به خود مشغول داشته، دوگانه عقل و نص و مراجعه به این دو منبع است. این موضوع، گرایش‌های متعددی را در میان شیعیان و اهل سنت پدید آورده است. در یک بررسی تاریخی می‌توان اطمینان یافت که در عصر حضور ائمه علیهم السلام به دلیل حضور امام معصوم علیه السلام، شکافی عمیق در مسأله عقل و نص در بین شیعیان ایشان نبوده است. اما در قرن دوم و با ظهور فعال و مؤثر معتزله، این موضوع جای خود را در جامعه باز کرده بود. این مسأله که روابط ائمه هدی علیهم السلام - و به ویژه صادقین علیهم السلام که فرصت فعالیت علمی و دینی بیشتری داشتند - با دو گروه اهل حدیث و معتزله چگونه بوده است، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. پاسخ به این مسأله علاوه بر آن که می‌تواند برخی از ابعاد نظریات ائمه علیهم السلام را درباره این دو رویکرد متفاوت نشان دهد، زوایای تازه‌ای از چگونگی نخستین مواجهه ائمه علیهم السلام با سران و پیروان هر گروه به تصویر می‌کشد. از این رو در تحقیق پیش رو در یک مطالعه موردی، مواجهه صادقین علیهم السلام با سران دو فرقه معتزله و اهل حدیث، از آن جهت که می‌توان ایشان را نمایندگان دو جریان فکری عقل‌گرا و نص‌گرای غیرشیعه یاد کرد، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

در یک معرفی اجمالی از دو گروه باید گفت، مهم‌ترین سران معتزله در دوران صادقین علیهم‌السلام، که در افکار و عقاید و مسایل کلامی، نقش ویژه را به عقل می‌دادند،^۱ واصل بن عطا (م ۱۳۱ق) و عمرو بن عبید (م ۱۴۴ق) بودند. این دو در شهر بصره، که می‌توان آن را نخستین مرکز فعالیت معتزله دانست، حضور داشتند و مهم‌ترین اصول تعلیم آنان، نفی جدایی صفات از ذات، پذیرش اختیار و آزادی اراده انسان، اعتقاد به جایگاه میانه برای مرتکبین کبیره، و حکم به خطاکار بودن نامعین یکی از طرفین نزاع در جریان فتنه عثمان و جنگ‌های امام علی علیه‌السلام (۴۰ق) با مخالفان بود.^۲

اهل حدیث در معنای عام، عنوان گروهی از عالمان سده‌های نخست است که به سنت‌گرایی و تعصب بر ظواهر حدیث^۳ (به ویژه در پایه‌گذاری فقه)^۴ شناخته می‌شوند. به همین جهت، بعدها در مقابل رویکرد نوظهور عامه یعنی اهل رأی - که جانب کلام، منطق، قیاس، رأی و به طور عام عقل‌گرایی را در کنار حدیث مورد توجه قرار می‌دادند - قرار گرفتند.^۵ این گروه در برخورد با معارف دینی، منابع نقلی از احادیث و آثار را زمینه اصلی مطالعات خود قرار داده بودند.^۶ ظهور و بروز این گرایش به حدیث، پس از

۱. برای اطلاع از چگونگی این عقل‌گرایی، ر.ک: برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ همچنین درباره اولویت دادن برخی از آن‌ها به عقل با وجود نص، ر.ک: ملک مکان و طالقانی، «جستی عقل در عقل‌گرایی معتزله»؛ مصباحی، «بررسی رویکرد عقلانی معتزله در اعتقادات».

۲. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۰-۵۲؛ اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۱۴۵.

۳. ر.ک: رازی، الزینة، ج ۳، ص ۴۳.

۴. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۴۳.

۵. پاکتچی، «اهل حدیث»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۱۳.

۶. ر.ک: همان.

برداشته شدن منع کتابت حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز (م ۹۹-۱۰۱ق) قابل مشاهده است.^۱ نمایندگان اهل حدیث که در آن دوران با عنوان «اصحاب اثر» شناخته می‌شدند، در شهرهای مختلف حضور و فعالیت داشتند اما رویکرد نص‌گرایی در مدینه به دلیل حضور بسیار اصحاب و تابعین در آن، به طور قابل توجهی جریان داشت. از مهم‌ترین سران این رویکرد مالک بن انس (م ۱۷۹ق) در مدینه و سفیان ثوری (م ۱۶۱ق) در کوفه‌اند. عقیده به جبر، غیرمخلوق بودن قرآن، رؤیت خداوند در قیامت و تقدیم شیخین، از وجوه مشترک در اعتقادات علمای اصحاب اثر بوده است.^۲

در ادامه و در بخش ابتدایی مقاله، شواهد و گزاره‌های مواجهه صادقین علیهم السلام با معتزله و اهل حدیث توصیف شده و پس از دستیابی به مهم‌ترین گونه‌های مواجهه حضرات با این دو فرقه، از روش تطبیقی برای دستیابی به گونه‌های مشترک و متفاوت مواجهه صادقین علیهم السلام با هر یک از دو رویکرد عقل‌گرا و نص‌گرا، استفاده خواهد شد. استفاده از روش تطبیقی - که از آن ذیل روش‌های کیفی سخن به میان می‌آید^۳ - برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر مد نظر قرار گرفته است. زمانی از مطالعه تطبیقی بهره گرفته می‌شود که موارد اندک و محدودی تحت بررسی قرار گیرد و محققان از هر یک از این موارد معدود مطالعه‌شده، شناخت تفصیلی مناسبی داشته باشند.^۴ فرضیه تحقیق نیز، ارتباط بیشتر

۱. عسکری، *معالم المدرستین*، ج ۲، ص ۴۶ و ۵۱-۵۶؛ ذهبی، *تذکره الحفاظ*، ج ۱، ص ۷.

۲. قاضی عیاض، *ترتیب المدارک*، ص ۱۷۲؛ الغامدی، *الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر*، ص ۱۸۰.

۳. تحقیق کیفی به هر نوع تحقیق اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای غیرآماری به دست آمده و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده است. روش تطبیقی برای فهم فرایندهای اجتماعی که در طول زمان روی داده‌اند یا در میان چند جامعه عمومیت دارند بسیار مناسب است؛ بنگرید: کافی، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ص ۱۲۲.

۴. طالبان، *روش‌شناسی مطالعات انقلاب*، ص ۵۵.

صادقین علیهم السلام با سران اصحاب اثر (با توجه به رویکرد مشترک مراجعه به سنت نبوی در فهم دینی) در کنار مواجهه کنترل شده با معتزله (به دلیل ضرورت اصلاح در بهره‌گیری از عقل در فهم دینی) است.

با بررسی انجام گرفته، تحقیقی که به این موضوع پرداخته باشد ملاحظه نشد اما می‌توان از مطالعاتی یاد کرد که به صورت کلی به تعاملات ائمه علیهم السلام و شیعیان با دیگر فرق پرداخته‌اند. برای نمونه بخشی از کتاب *تعامل شیعیان با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری* نوشته سیدعبدالله حسینی به دوران صادقین علیهم السلام اشاره دارد. بخش قابل توجهی از کتاب *مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه تا آغاز دوره انحلال معتزله* نوشته رسول جعفریان نیز به بررسی روابط شیعه با معتزله بغداد اختصاص دارد؛ در حالی که مرکز اصلی حضور و فعالیت معتزله در عصر صادقین علیهم السلام شهر بصره بود. کتاب *سیره امام صادق علیه السلام* در برخورد با اهل سنت نوشته سعید بابایی نیز به تمامی شواهد توجه نداشته و روش رویکرد متفاوتی را پی گرفته و همچنین تنها به سیره امام صادق علیه السلام پرداخته است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان *برخورد امام صادق علیه السلام با منحرفین کلامی* نوشته علی آقانوری، علاوه بر ویژگی یادشده، کمتر اشاره‌ای به اصحاب اثر داشته است.

الف. گونه‌ها و شواهد مواجهه صادقین علیهم السلام با معتزله

۱. برقراری ارتباط معمول دینی و پاسخ به پرسش‌های معتزله

مطابق شواهد متعدد، سران معتزله از علم و فضل صادقین علیهم السلام آگاه بوده، به این مسأله اذعان می‌کرده‌اند^۱ و از این روی در مسایل گوناگون، نزد آنان حاضر می‌شدند. برای نمونه عمرو بن عبید و بشیر الرحال از امام صادق علیه السلام درباره حد داشتن هر شیئی از جمله حد طعام، سؤال کرده‌اند.^۲ یا در یک موقعیت، واصل بن عطا و عمرو بن عبید و بشیر الرحال از

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲. برقی، محاسن، ج ۲، ص ۴۴۸.

امام باقر علیه السلام (۱۱۴ق) درباره حد خلاء^۱ سؤال کرده‌اند.^۲ مطابق خبری دیگر، عمرو بن عبید نزد امام صادق علیه السلام (۱۴۸ق) آمد و با قرائت آیه «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ»^۳ از حضرت خواست تا گناهان کبیره را از قرآن برای وی بیان کند.^۴ همو با حضور نزد امام باقر علیه السلام درباره آیه ۳۰ سوره انبیا و آیه ۸۱ سوره طه سؤال کرده است.^۵ همچنین نام عمرو بن عبید در سند خبری از امام صادق علیه السلام دیده می‌شود که در آن اشاره شده است که به فرمان خداوند متعال هر آن چه غیر او پرستش می‌شده، آورده می‌شود و به آتش وارد می‌شود.^۶

۲. عدم همراهی با تصمیم و اقدام معتزله و دعوت آنان به سوی خویش

در موارد متعدد مشاهده می‌شود که صادقین علیهم السلام از حضور معتزله در نزد خود، برای هدایت آنان به سوی خویش استفاده می‌کردند. برای نمونه سران معتزله در دوران امویان، برای قیام بر ضد بنی امیه نزد امام صادق علیه السلام حاضر شدند. در این دیدار، عمرو بن عبید از اراده‌شان برای بیعت با محمد بن عبدالله (م ۱۴۵ق) خبر داد و تأکید کرد که: «با این همه دوست داشتیم این مطلب را با شما در میان بگذاریم؛ چون از فکر و ارشادات افرادی مانند شما بی‌نیاز نیستیم؛ چرا که دارای فضل و دانشید و پیروان و شیعیان زیادی دارید».^۷

۱. وظایف انسان هنگام ورود به مستراح.

۲. ابن طاووس، *فلاح السائل*، ص ۴۹.

۳. سوره نجم، آیه ۳۲.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۱۰؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۳۲۹؛ عاملی،

الصرط المستقیم، ج ۲، ص ۱۷۳؛ صدوق، *التوحید*، ج ۱، ص ۱۶۸.

۶. برقی، *محاسن*، ج ۱، ص ۲۵۴.

۷. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۱۱۸.

معتزله از تعداد قابل توجه شیعیان آگاه بوده، برای بهره‌گیری از نظر حضرت و درخواست از ایشان جهت حضور شیعیان در قیام، نزد ایشان آمدند. با این حال حضرت با طرح سؤالاتی درباره چرایی قصد آنان و چگونگی انتخاب رهبر جنبش، تلاش کرد تا آسیب‌هایی را که متوجه اقدام آنان است، تبیین نموده، ایشان را به سوی خود بخواند.^۱ از تعبیر امام علیه السلام استفاده می‌شود که ایشان قصد داشت کم‌اطلاعی آنان از شریعت اسلام را نمایان سازد و تبیین نماید که چگونه ممکن است چنین کسانی، متصدی امور مسلمین شوند با این که در بین آن‌ها عالم‌تر و بافضیلت‌تر وجود دارد.^۲

۳. طرح‌ریزی مناظرات اصحاب خویش با سران معتزله

مناظره از ابزارهای متداول در گفت‌وگوهای کلامی عصر صادقین علیهم السلام بود؛ به ویژه در مباحث اعتقادی، این قوت و قدرت منطقی و بیان بود که می‌توانست مؤثر باشد. امام صادق علیه السلام خطاب به محمد بن نعمان، وی را به مخاصمه (بحث و مناظره) و آشکار کردن هدایتی که بر آن است و گمراهی طرف مقابل امر فرمود.^۳ خود حضرت در مناظره با فردی معتزلی، به رد تفویض پرداخت.^۴ همچنین هشام بن حکم (م ۱۷۹ق) در جلسه عمرو بن عبید حاضر شد و پس از چند سؤال از وی، اثبات کرد که خداوند مردم را در حیرت و سرگردانی و بدون انتصاب امام قرار نمی‌دهد.

هشام این مناظره را به دستور امام صادق علیه السلام در میان سایر اصحاب بازگو کرد و در انتها نیز اذعان کرد که این روش مناظره و این مطالب را از حضرت یاد گرفته است.^۵ این

۱. همان.

۲. مظفر، الامام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۷.

۳. مفید، الحکایات، ص ۷۵.

۴. فخر رازی، المطالب العالیة من العلم الالهی، ج ۹، ص ۲۵۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

دستور به هشام را - که مناظره‌اش را حکایت کند - می‌توان در این راستا تفسیر کرد که سایر اصحاب با چگونگی روش مناظره و تعامل با فرقی چون معتزله آشنا شوند؛ معتزله‌ای که خود را پیشگام در امر گفت‌وگوهای علمی و عقلی می‌دانستند.

۴. تبیین و روشنگری درباره باورهای معتزله

از گزارش‌های موجود می‌توان برداشت کرد که امام صادق علیه السلام اندیشه‌های معتزله را به طور صریح در بین پیروان خویش تبیین و رد می‌فرمود. از اصول معتزله، اعتقاد به منزلت بین منزلتین برای مرتکب کبیره بود. طبق این اصل معتزله، مرتکب کبیره نه مؤمن و نه کافر است، بلکه در جایگاهی بین این دو قرار دارد. بنا بر روایتی، گفته معتزله مبنی بر عدم غفران کبائر، نزد امام رضا علیه السلام طرح شد. حضرت در پاسخ، به سخن امام صادق علیه السلام در بین اصحابشان اشاره فرمود که: «قرآن بر خلاف قول معتزله نازل شده است؛ زیرا خداوند فرموده است: *إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ*»^۱. همچنین، سعید اعرج از عمرو بن عبید درباره طلاق ابن عمر (۷۳ق) سؤال کرده، جواب وی را به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند. امام علیه السلام جواب عمرو را دروغ دانست و حقیقت را تبیین فرمود.^۲ روایات متعددی نیز از امام صادق علیه السلام ناظر به رد اعتقاد معتزله مبنی بر اعتقاد به تفویض و اختیار مطلق انسان و تبیین صحیح این مسأله وجود دارد.^۳ برای نمونه در روایتی از حضرت چنین آمده که: «مردم درباره قدر سه دسته‌اند... و کسی که گمان می‌کند کار به

۱. صدوق، التوحید، ص ۴۰۶؛ سوره رعد، آیه ۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶۱.

۳. برای نمونه، رک: کلینی، الکافی، ج ۱، باب الجبر و القدر و الامر بین الامرین و ج ۱، ص ۱۶۰؛ شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۵۲۷ به نقل از الانصاف فی التنبيه علی المعانی و الاسباب؛ قمی،

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۴؛ صدوق، التوحید، ص ۳۶۱.

خود بندگان واگذار شده است؛ که او در حقیقت، خداوند را در سلطنتش سبک شمرده و کافر است»^۱.

۵. مذمت سران معتزله و تویخ آنان

در بین شواهد اخیر، ذیل گونه پیش، با بررسی متن اخبار می توان مشاهده کرد که مواجهه امام علیه السلام با مذمت معتزله همراه بوده است. برای نمونه در یکی از موارد، عمرو را دروغ گو خوانده، وی را لعنت نمود.^۲ همچنین طبق یک گزارش، پس از حضور واصل بن عطا در مدینه، زید بن علی (م ۱۲۲ق) و فرزندش یحیی (م ۱۲۵ق)، عبدالله بن حسن (م ۱۴۳ق) و برادرانش، محمد بن عجلان (م ۱۴۸ق) و ابوعباد لیشی نزد وی آمدند. امام صادق علیه السلام نیز به همراه اصحابش نزد وی رفت و فرمود:

خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به حق و بینات و آیات مبعوث کرد و بر او فرو فرستاد. آشنایان و اقوام شخصی، نسبت به او شایسته تر از دیگرانند. ما عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و نزدیک ترین مردم به او هستیم و توای واصل! سخنی گفته ای که اختلاف پدید آورده است. من تو را به توبه دعوت می کنم.^۳

همچنین بنا بر روایتی، حضرت در جمع اصحاب، ضمن مذمت شدید معتزله اعلام نمود: «آن ها خواستند توحید پیشه کنند ولی به الحاد رسیدند و خواستند از تشبیه دست بردارند ولی آن را اثبات کردند»^۴. همچنین اگر قدریه را همان قائلان به تفویض

۱. صدوق، التوحید، ص ۳۶۰؛ صدوق، الخصال، ص ۱۹۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶۱.

۳. قاضی عبدالجبار، فضل الاعتزال، ص ۲۳۹. در گزارش کوتاه شهرستانی، به جای

امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام ذکر شده است؛ بنگرید: شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.

۴. کراجکی، کنز الفوائد، ص ۵۱.

بدانیم،^۱ گزارش‌های مذمت قدریه که از صادقین علیهم السلام رسیده است، شامل معتزله نیز خواهد شد.

ب. گونه‌ها و شواهد مواجهه صادقین علیهم السلام با اصحاب اثر

۱. توجه و احترام به سران اصحاب اثر

از گونه‌های مواجهه صادقین علیهم السلام با سران اصحاب اثر، احترام و توجه به سران آن‌ها در بیشتر موارد بود. مالک بن انس، نحوه برخورد امام صادق علیه السلام با خود را چنین حکایت می‌کند:

با ورود به محل حضور حضرت، وی برای من متکایی قرار می‌داد و برای من قدر و منزلت قایل می‌شد و احترام می‌کرد و به من می‌گفت: «ای مالک تو را دوست دارم». من از این کلام شادمان شده، خدا را شکر می‌کردم.^۲

مطابق خبر دیگری می‌گفت: «وقتی به محضر امام شیعیان می‌رسیدم، مرا می‌بوسید و گرامی می‌داشت».^۳ در بیانی دیگر، امام صادق علیه السلام در ملاقات با سفیان ثوری که برای استفاده از بیانات حضرت آمده بود، از وی به نیکی یاد کرد و به وی فرمود: «انک رجل مطلوب».^۴

۲. روابط اجتماعی مسالمت‌آمیز با اصحاب اثر

طبق شواهد تاریخی، روابط اجتماعی بین امام صادق علیه السلام و اصحاب اثر برقرار بوده است. برای نمونه همراهی مالک بن انس با امام صادق علیه السلام در یک سفر طولانی برای

۱. در این که به چه کسانی قدریه گفته می‌شد، اختلاف وجود دارد؛ رک: سبحانی، بحوث فی

الملل و النحل، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۸۹.

۲. صدوق، الخصال، ص ۱۶۷؛ صدوق، الامالی، ص ۲۳۴.

۳. صدوق، الامالی، ص ۶۳۵.

۴. طوسی، الامالی، ص ۴۷۹.

انجام فریضه حج و گفت‌وگوی با ایشان در طول سفر را می‌توان نوعی رابطه مسالمت‌آمیز ارزیابی نمود. همچنین رفت و آمد زیاد سران اصحاب اثر به محضر حضرت - تا جایی که مالک در جریان این بازدیدها به سیره حضرت پی برده، ایشان را از سه حال خارج نمی‌دانست - نشان از روابط نزدیک آن‌ها با صادقین علیهم‌السلام داشته است.^۱

نوع بیانات امام علیه‌السلام نیز خود نشان‌دهنده نزدیکی این روابط می‌باشد. برای نمونه در خبری وارد شده که سفیان ثوری به محضر حضرت آمد و گفت: «چگونه صبح کردی یابن رسول الله؟» و حضرت از حزن قلبی خود وی را با خبر ساخت و در مذمت دنیا سخنانی فرمود.^۲ بر اساس گزارشی دیگر، سفیان نزد حضرت آمد و علت گوشه‌گیری امام صادق علیه‌السلام را جویا شد و حضرت وی را از فساد زمانه و تغییر برادران مطلع می‌کند.^۳ خبری نیز اشاره دارد که پس از وفات اسماعیل فرزند امام صادق علیه‌السلام، سفیان بن عیینه برای عرض تسلیت به محضر حضرت آمد.^۴

۳. ارتباط هدایت‌گراانه و گفت‌وگوی علمی معمول با اصحاب اثر

از شواهد علم‌آموزی اصحاب اثر نزد ائمه علیهم‌السلام، نقل روایات متعدد آنان از آن حضرات بدون واسطه و در موضوعات گوناگون است.^۵ مالک بسیار از محضر امام صادق علیه‌السلام

۱. صدوق، الخصال، ص ۱۶۷؛ صدوق، الامالی، ص ۲۳۴.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۷.

۳. ابن جوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۱۱.

۴. مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۴۱۹.

۵. برای نمونه ر.ک: صدوق، الامالی، ص ۱۲۸ و ۲۳۴ و ۲۳۵؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰ و ۴۰۶ و ج ۲، ص ۱۶ و ۷۲ و ۱۲۹ و ۱۶۴ و ۴۱۵ و ج ۴، ص ۵۲۱؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۵۷۳؛ ابن شیه، تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۶۳۸ و ج ۳، ص ۹۳۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۳۴۳ و ج ۳، ص ۴۰۲ و ج ۱۳، ص ۳۰۰ و ج ۱۸، ص ۴۱۰ و ج ۲۶، ص ۳۴۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹۷ و ج ۲، ص ۴۹۲ و ج ۳، ص ۱۱۳ و ۳۰۱ و ۳۶۹ و ج ۵، ص ۳۲۴.

استفاده کرده، و چه بسا زمانی که می‌خواست روایاتی را که از حضرت گرفته بیان کند، عبارت «حدثنی الثقه» را به کار می‌برد.^۱ طبق روایتی، مالک از امام صادق علیه السلام درباره ثواب روزه یک روز از ماه رجب و شعبان سؤال می‌کند.^۲ در موارد متعدد، سفیان ثوری پس از ملاقات با امام صادق علیه السلام، درخواست موعظه یا حدیث می‌کرد؛^۳ چنان که در موقعیتی به محضر حضرت رسیده، عرض می‌کند: «ای پسر رسول خدا! من جز برای استفاده خیر از شما نیامده‌ام».^۴ همو از حضرت درباره برخی از آیات مقطعه^۵ یا درباره چرایی قرار گرفتن موقف در پشت حرم و... سؤال می‌کند^۶ یا از حضرت درخواست یادگیری دعایی را دارد.^۷ همچنین در کتاب نجاشی (م ۴۵۰ق)، در ذیل ترجمه سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ق) اثری از وی با نام نسخه عن جعفر بن محمد علیه السلام ثبت گردیده است که نشان می‌دهد وی، امام علیه السلام را به عنوان یکی از مراجع علمی آن زمان پذیرفته و حتی روایات آن را در قالب اثری مستقل تألیف کرده است.^۸ وی همچنین ۲۲ روایت از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۹ در بین شواهد، تلاش صادقین علیهم السلام برای ارشاد و هدایت اصحاب اثر نیز بارها به چشم می‌خورد. از جمله آن‌ها دعوت امام صادق علیه السلام از سفیان برای تبعیت از هدی و تطبیق

۱. مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۲۹۹.

۲. صدوق، الامالی، ص ۶۳۵؛ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۳۸.

۳. صدوق، الخصال، ص ۱۶۹؛ حافظ الاصبهانی، ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مزی، تهذیب

الکمال، ج ۵، ص ۸۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۸۵.

۴. طوسی، الامالی، ص ۴۸۰.

۵. صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۲ و ۲۳.

۶. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۶۴.

۷. سهمی، تاریخ جرجان، ص ۴۷۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۲، ص ۱۹۹.

۸. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۹۰.

۹. سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۲، ص ۲۴۵.

هدی بر کتاب خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام و نهی سفیان از تبعیت هوی می‌باشد. حضرت، علی علیه السلام را عروه وثقی دانسته که موجب نجات از آتش می‌شود.^۱ بنا بر گزارش‌های دیگر، حضرت وی را به حمد خداوند و استغفار توصیه فرموده، دنیا و اهل آن را مورد مذمت قرار داد.^۲ همچنین عنوان بصری که سال‌های متمادی از مالک بن انس پیروی می‌کرد، مواعظ ارزشمندی را از حضرت دریافت می‌کند.^۳

۴. تبیین و روشنگری درباره باورهای اصحاب اثر

به رغم تمام ارتباطات مسالمت‌آمیز یاد شده، ائمه علیهم السلام باورهای اصحاب اثر را برای شیعیان خود تبیین نموده، آنان را از همراهی با بزرگان اصحاب اثر باز می‌داشتند. برای نمونه بنا بر نقلی امام باقر علیه السلام پس از اشاره به اهمیت پذیرش ولایتشان، سفیان ثوری را سدکننده دین خدا دانستند.^۴ مطابق خبری دیگر، یونس بن ظبیان به محضر امام صادق علیه السلام رسید و از قول مالک و اصحابش مبنی بر صورت و دست داشتن خداوند و مستند کردن این عقاید به قرآن سخن گفت. حضرت پس از شنیدن این سخنان فرمودند: «اللهم عفوک عفوک» و سخنانی را در بطلان این اعتقاد، ایراد نمود.^۵ همچنین روایتی از حضرت درباره مسأله خلق قرآن وارد شده که امام علیه السلام ازلی و قدیم بودن آن را نفی کرده و آن را حادث دانسته‌اند.^۶ این روایت را می‌توان ناظر به اعتقاد اصحاب اثر مبنی بر قدیم بودن قرآن دانست.

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۵.

۲. رک: حلی، العدد القویة، ص ۱۴۹؛ اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۹۸؛ کراچکی، معدن الجواهر، ص ۲۷؛ ابن حمدون، التذکرة الحمدونیة، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۲.

۳. طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۵۶۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۳. شایان ذکر است که بررسی منابع، نشان از عدم نقل این خبر در دیگر منابع مهم متقدم امامیه دارد.

۵. ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۶۵؛ خراز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۵۶.

۶. صدوق، التوحید، ص ۲۲۷.

۵. تکذیب روایات جعل شده توسط اصحاب اثر

اصحاب اثر به دلیل آشنایی با ساز و کار نقل روایت، می‌توانستند به راحتی خبری را تغییر دهند و یا به طور کامل جعل نمایند. در مقابل این اقدام اصحاب اثر، صادقین علیهم السلام واکنش نشان داده، این گونه احادیث را تکذیب می‌کردند. مطابق خبری، گروهی نزد امام صادق علیه السلام آمدند که برایشان تفاوتی نمی‌کرد از چه کسی روایت کنند و از افراد متعدد حدیث می‌شنیدند و روایت می‌کردند. حضرت از آنان خواست تا برخی از احادیثی که از غیر ایشان شنیده‌اند بیان کنند. فردی از این گروه، روایات متعددی را با واسطه سفیان ثوری به حضرت یا پدر بزرگوارشان نسبت داد که حضرت آن‌ها را تکذیب کرد.^۱

ج. بررسی تطبیقی گونه‌ها و تحلیل نسبت آن‌ها

پس از ذکر گونه‌های مواجهه صادقین علیهم السلام با معتزله و اصحاب اثر به عنوان نمایندگان عقل‌گرایی و نص‌گرایی، در جدول ذیل به بررسی تطبیقی این گونه‌ها در دو بعد همگرایی و واگرایی اشاره می‌گردد.

نوع مواجهه	گونه‌های شناسایی شده	عقل‌گرایان	نص‌گرایان
همگرایی	۱. روابط و گفت‌وگوهای معمول علمی و دینی	*	*
	۲. برقراری روابط مسالمت‌آمیز اجتماعی		*
	۳. تلاش برای هدایت سران فرقه	*	*
	۴. توجه و احترام ویژه به سران فرقه		*
واگرایی	۱. تبیین و روشن‌گری باورهای فرقه	*	*
	۲. رد روایات جعل شده توسط فرقه		*
	۳. مذمت و توبیخ سران فرقه	*	
	۴. طرح ریزی مناظرات با سران فرقه	*	

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۲.

بررسی گونه‌ها بر اساس موارد مشترک (توافق) و موارد مختلف (تغایر)

در روش تطبیقی، پس از دستیابی به اطلاعات گونه‌های مشترک و اختلافی، تلاش می‌شود تا به چرایی این توافق و تغایر پرداخته شود. بدیهی است که تحلیل برآمده از این مقایسه، به ویژه در بخش تطبیق موارد اختلاف، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از دیدگاه ائمه علیهم‌السلام به دو رویکرد عقل‌گرا و نص‌گرای غیرشیعی را نمایان سازد.

الف. بررسی و تحلیل برخی گونه‌های مشترک مواجهه صادقین علیهم‌السلام با دو فرقه

۱. روابط و گفت‌وگوهای معمول علمی و دینی

شواهد نشان داد که روابط معمول علمی و دینی در تعامل صادقین علیهم‌السلام با اهل حدیث و معتزله امری مشترک است. مقام والای ائمه علیهم‌السلام - که در نگاه عامه بیشتر به دلیل علم وافر ایشان و البته انتسابشان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود - سبب می‌شد تا سران فرق کلامی غیر شیعه، پرسش‌های خود را نزد صادقین علیهم‌السلام مطرح نمایند. حضرت در موسم حج در جایگاه خاصی می‌نشست و عموم مردم، مسایل خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند و پاسخ می‌شنیدند.^۱ بنا بر خبر دیگری، زکریا بن ابراهیم پس از اسلام آوردن و تشریف به حج، به حضور امام صادق علیه‌السلام رسیده، مشاهده می‌کند که آن حضرت در منی نشسته است و مردم گرد او حلقه زده‌اند و پاسخ مسایل خود را می‌شنوند.^۲ دستور امام صادق علیه‌السلام درباره تکذیب نکردن روایاتی که مرجئی، قدری و خارجی به حضرات نسبت می‌دادند (به دلیل امکان حق بودن مضمون آن)، بر کثرت بهره‌مندی فرقه‌ها از دانش ایشان دلالت دارد.^۳

۱. ر.ک: طبرسی، اعلام‌الوری، ص ۲۸۱؛ مفید، الارشاد، ص ۳۰۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳،

ص ۳۳.

۲. بحرانی، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۱۴۵.

۳. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۳۱؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

در این جا باید به نکته مهمی اشاره کرد؛ با توجه به اخبار گزارش شده می‌توان دریافت که اصحاب اثر به دلیل رویکرد نص‌گرایی و همچنین حضور برخی سران آن در مدینه، بهره علمی بیشتری نسبت به معتزله و سایر فرقه‌ها از ائمه علیهم السلام برده و اهتمام بیشتری در نقل روایات از حضرات داشته‌اند. به هر ترتیب آن چه اهمیت دارد آن است که در منابع متقن، خبری دیده نشد که فردی از سران یا پیروان مذاهب کلامی غیر شیعه، برای پرسش به صادقین علیهم السلام مراجعه نماید و با طرد از سوی آنان مواجه شود. عدم گفت‌وگوی امام صادق علیه السلام با گروهی از پیروان فرق مختلف از جمله معتزله در مسجدالحرام را نیز می‌توان به جهت تقیه و عدم جلب توجه مأموران حکومتی دانست.^۱

۲. تلاش برای ارشاد و هدایت ایشان

موضوع دیگری که باز در هر دو طرف تعامل صادقین علیهم السلام قابل مشاهده بود تلاش برای ارشاد و هدایت سران و پیروان فرق غیرشیعه است. این موضوع را می‌توان به صورت کامل، در ارتباط با وظیفه هدایت‌گری حضرات معصومین علیهم السلام دانست. آنان نه تنها خود به این امر اقدام می‌نمودند، بلکه پیروان خویش را نیز به پای نهادن در مسیر جذب گروه‌های غیر شیعه، چه عقل‌گرا و چه نص‌گرا توصیه می‌کردند و در این امر خصوصیتی برای یک رویکرد خاص در میان عامه قائل نبودند؛ چنان که امام صادق علیه السلام برای شیعیانی که ایشان را نزد مردم محبوب گردانیده، یا دوستی مردم را به طرف خود بکشاند، طلب رحمت کرد.^۲ شواهد متعددی بر ارشاد سران و پیروان فرق غیرشیعه توسط صادقین علیهم السلام وجود دارد که بر راهبرد اساسی ایشان در نشان دادن مسیر حق و نجات پیروان سایر فرق از پیمودن مسیر باطل دلالت دارد.

۱. رک: کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۲۳ و ج ۸، ص ۲۲۹.

ب. بررسی و تحلیل گونه‌های متغایر مواجهه با دو فرقه

۲۱. برقراری روابط مسالمت‌آمیز اجتماعی و توجه و احترام ویژه به سران اصحاب اثر درباره چرایی همگرایی با اصحاب اثر، می‌توان گفت از آن جا که صادقین علیهم‌السلام در شهر مدینه^۱ و اکثر شیعیان در کوفه به سر می‌بردند و از سوی دیگر مالک بن انس و سفیان ثوری به عنوان دو تن از شاخص‌ترین سران اصحاب اثر در این دو شهر حضور داشتند، تعامل ائمه علیهم‌السلام با آنان از لحاظ کمی و کیفی، نسبت به معتزله که در بصره حضور داشتند، متفاوت می‌باشد. دلیل این گونه تعاملات اجتماعی و مدارا با اصحاب اثر را علاوه بر تعاملات اجتماعی، می‌توان در بیانات امام صادق علیه‌السلام مشاهده کرد که در موارد متعدد شیعیان را به تقیه و روابط مسالمت‌آمیز با غیرشیعیان امر می‌فرماید. به ویژه آن که سران اصحاب اثر به عنوان فقهای عامه در میان مردم دارای نفوذ اجتماعی بوده،^۲ در دوره‌ای نزد خلفای عباسی، جایگاهی قابل توجه داشتند. همان طور که گفته شد در آن دوران بیشتر شیعیان در کوفه حضور داشتند و صادقین علیهم‌السلام در مدینه از یاران زیادی برخوردار نبودند،^۳ از این رو تقیه در برابر غیرشیعه، از اهمیت به سزایی برخوردار بود و

۱. امام صادق علیه‌السلام مدتی را نیز در عراق به سر بردند.

۲. برای آگاهی از شواهدی در مورد نفوذ اجتماعی مالک بن انس و سفیان ثوری، رک: ابن ابی زید، جامع ابن ابی زید، ص ۱۶۴؛ داعی، عیون الأخبار و فنون الآثار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۵، ص ۲۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۲۵۲ و ۲۵۴؛ ابن عدی، الکامل، ج ۷، ص ۲۴۷۶.

۳. در روایتی امام صادق علیه‌السلام به تنهایی خود در مدینه این گونه اشاره دارد: «من از تنهایی و پریشانی خود در میان مردم مدینه به درگاه خدای عز و جل شکایت خویش می‌برم تا وقتی شماها به مدینه بیایید و من شما را ببینم و با شما مأنوس شوم. ای کاش این حکومت یاغی و سرکش به من اجازه می‌داد تا خانه‌ای در طائف می‌گرفتم و در آن جا سکونت می‌کردم و شماها را نیز با خودم در آن، جای می‌دادم و در پیش او تعهد می‌کردم که از ناحیه ما هیچ گاه بدی به او نرسد (زیانی نبیند)؛ بنگرید: کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۵.

صادقین علیهم السلام نیز تأکید بسیاری بر رعایت آن داشتند.^۱ برای نمونه از اسماعیل بن جابر نقل شده که امام صادق علیه السلام نامه‌ای به اصحاب خود نوشت و به آنان دستور داد این نامه را به یکدیگر بیاموزند و در آن درنگ کنند و به کار بندند. در این نامه طولانی همانند برخی دیگر از روایات،^۲ حضرت به مدارای با اهل باطل برای حفظ از خطرات توصیه نمود.^۳

کم بودن شواهد همگرایی صادقین علیهم السلام در تعامل با معتزله می‌تواند متأثر از علتی دیگر هم باشد و آن حمایت معتزله از قیام حسنیان در دوران تزلزل حکومت امویان است.^۴ اصحاب اثر در این دوره با حاکمان وقت روابط خوبی نداشتند ولی در ظاهر مدارا کرده، در قیام‌ها مشارکت نمی‌کردند.^۵ اما در مقابل، معتزله به حمایت از قیام‌های حسنیان پرداختند. البته عمرو بن عبید از سران معتزله، در دوران حکومت منصور (۱۳۶-۱۵۸ق) در ظاهر از

۱. برای آگاهی از روایات صادقین علیهم السلام درباره تقیه، ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، باب التقیه، ص ۲۱۷-۲۲۱.

۲. منسوب الی الامام العسکری علیه السلام، تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲. برای آگاهی از روایات دیگر در این باره، ر.ک: صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۳۸۳؛ کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۶۵ و ۶۳۶؛ طبرسی، *مشکاة الانوار*، ص ۱۳۴؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۸۵، ص ۱۱۹.

۴. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۵۷ و ۲۵۸. برای آگاهی بیشتر درباره حمایت معتزله از حسنیان، ر.ک: نجفیان رضوی، «واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی: زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵ هجری».

۵. البته مطابق برخی اخبار، مالک بن انس بیعت با منصور را باطل شده اعلام کرد و مردم را به بیعت با نفس زکیه فرامی‌خواند؛ ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۱۹۰. با این حال موضع مالک در قبال حکومت عباسی و حمایت او از قیام نفس زکیه مورد اختلاف است.

این حمایت دست کشید^۱ و قبل از قیام نیز وفات یافت.^۲ این در حالی بود که ائمه علیهم السلام از عدم پیروزی قیام‌های زید و نفس زکیه خبر داده بودند^۳ و در قیام‌ها شرکت نکردند. لذا این احتمال مطرح است که روابط ائمه علیهم السلام با معتزله می‌توانست آنان را در معرض اتهام همکاری با براندازان قرار دهد و در نتیجه ائمه علیهم السلام و شیعیانشان را با محدودیت‌ها و فشار بیشتر حاکمان روبه‌رو کند.

موضع اصحاب اثر در برابر اصحاب رأی و قیاس فقهی را نیز می‌توان عاملی مؤثر دیگری در روابط مسالمت‌آمیز با اصحاب اثر دانست. اساساً در تاریخ فرهنگ اسلامی، اهل حدیث - به عنوان یکی از دو گرایش اصلی در فقه اهل سنت در سده‌های نخستین - بیش از هر چیز در مقابل اهل رأی شهرت دارند.^۴ این موضع اصحاب اثر با موضع صادقین علیهم السلام^۵ در رد قیاس، همسو بوده، هر دو بر رجوع به سنت در مسایل فقهی تأکید داشتند؛ اگر چه صادقین علیهم السلام هر مسیری را در دستیابی به سنت صحیح ندانسته، رجوع به اهل بیت علیهم السلام را تنها راه رسیدن به علم صحیح می‌دانستند.^۶

۱. منصور بر این باور بود که تا وقتی عمرو زنده بود معتزله بر وی خروج نکردند: ابن مرتضی، باب ذکر المعتزله، ص ۱۱۰؛ حمیری، الحور العین، ص ۲۱۰.
۲. برای آگاهی از همراهی جمعی از معتزله با قیام ابراهیم، رک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۲۷؛ ابن مرتضی، باب ذکر المعتزله، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ حمیری، الحور العین، ص ۲۰۹-۲۱۰.
۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۶۶؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۳؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۲۷.
۴. پاکتچی، «اهل حدیث»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۱۳.
۵. جهت مشاهده نمونه‌ای از روایات صادقین علیهم السلام در رد قیاس فقهی، رک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴-۵۹، باب البدع و الرأی و المقائیس.
۶. برای آگاهی از روایات صادقین علیهم السلام در این باره، رک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲ و ۱۸۳ و ۴۰۰ و ۴۱۴؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۶؛ صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۶ و ۳۰ و ۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۸ و ۵۳۹؛ مفید، الامالی، ص ۹۶؛ عده محدثین، الاصول الستة عشر، ص ۴.

۴ و ۳. طرح‌ریزی مناظرات با سران معتزله و مذمت و توبیخ آنان

در دوران صادقین علیهم السلام شیعیان با راهنمایی حضرات به مناظره با دیگر فرقه‌ها، از جمله معتزله می‌پرداختند.^۱ صادقین علیهم السلام برای نشان دادن شدت انحراف معتزله و جلوگیری از تمایل امامیه به آن‌ها، گاه به مذمت ایشان می‌پرداختند.

به نظر می‌رسد اتخاذ این راهبردها در برابر معتزله تا حدودی ناشی از اقدامات و تأثیرات معتزله بر جامعه اسلامی و به خصوص شیعیان بوده است. در این دوره، ارکان اعتقادی معتزله که آن‌ها را از سایر فرقه‌ها متمایز می‌کرد، مشخص شده بود و آنان به تبلیغ آرای خود می‌پرداختند. واصل بن عطا، مبلغین را به ممالک اسلامی از جمله کوفه - محل اصلی استقرار شیعیان امامی - فرستاد.^۲ در مقابل نیز مشاهده می‌شود امام صادق علیه السلام وضعیت مردم بصره - محل اصلی حضور معتزله - و ورودشان به مذهب تشیع را از مؤمن طاق (۱۶۰ق یا پس از ۱۸۰ق) پیگیر شد و به وی توصیه کرد که بیشتر به جوان‌ها توجه کند.^۳ در حالی که به نظر می‌رسد اصحاب اثر در بعد کلامی هنوز در مرحله شکل‌گیری به سر می‌بردند و لذا فعالیت تبلیغی در راستای ترویج باورهایشان مشاهده نگردید.

بدیهی است در چنین شرایطی که هنوز اصحاب اثر دارای ساختار اعتقادی مشخص و صریح نیست و حتی نسبت به جدل و مناظره در امر دین، موضعی منفی دارد،^۴ مناظره و یا

۱. مفید، *الحکایات*، ص ۷۵؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۴۵۲. برای آگاهی از تعلیم و تأیید و یا اصلاح روش مناظره برخی اصحاب توسط حضرت، ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۲۳۷؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۲۲۲ و ۴۳۰؛ طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. ابن مرتضی، *طبقات المعتزله*، ص ۳۲.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۹۳.

۴. سخنان متعددی از مالک بن انس دلالت بر مذمت جدال و کلام در امر دین دارد. برای آگاهی در این باره بنگرید: الغامدی، *الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر*، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ -

ردیه‌نویسی در برابر آنان از سوی امامی‌مذهبان انجام نشود؛ بر خلاف معتزله که اصولی مشخص داشتند و فعالیت تبلیغی می‌کردند. لذا ردیه‌های متعددی از سوی اصحاب امام صادق علیه السلام بر ضد آنان نگاشته شده^۱ و ردیه‌هایی نیز از سوی معتزله بر ضد شیعه نوشته شده است.^۲ بنا بر این به نظر می‌رسد اگر اصحاب اثر نیز به این حد از فعالیت تبلیغی و اعتقادی می‌رسیدند، امامیه چنین مواجهه‌ای را با آنان در پیش می‌گرفت. صادقین علیهم السلام در برخورد با سران اصحاب اثر، گونه‌های بیشتری از همگرایی را دنبال کرده‌اند و حتی همان‌طور که گذشت، برخورد محبت‌آمیز و محترمانه‌ای نیز از سوی ائمه علیهم السلام با سران آن‌ها مشاهده می‌شود. شاید یکی از دلایل این همگرایی‌ها، اصرار و شدت تمسک اصحاب اثر بر ظواهر قرآن و سنت (روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)^۳ و عدم تفسیر به رأی و همچنین توقفشان در

به نقل از ابن ابی زینین، اصول السنه، ص ۲۳۱ و السیر، ج ۸، ص ۹۹ و ذم الکلام، ص ۸۷۰ و قاضی عیاض، ترتیب المدارک، ج ۲، ص ۳۹ و الاعتصام، ج ۲، ص ۳۳۷ و السیر، ج ۸، ص ۶۷ و جامع بیان العلم، ج ۲، ص ۲۵ و ارشاد السالک، ص ۳۴۷ و ذم الکلام، ص ۸۷۳؛ الاعتصام، ج ۳، ص ۲۹۹ و جامع بیان العلم، ص ۱۷۸۶.

۱. این ردیه‌ها توسط هشام بن حکم و مؤمن الطاق نگاشته شده است؛ رک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴۳۳؛ طوسی، فهرست، ص ۲۰۷.

۲. برای نمونه می‌توان به کتاب الرد علی الرافضة و الحشویة از ضرار بن عمرو اشاره کرد؛ بنگرید: ابن ندیم، فهرست، ص ۲۱۵. همچنین قاضی عبدالجبار، خطبته فی الرد علی جعفر الصادق فی قضیه العدل الالهی را از آثار واصل بن عطا ذکر می‌کند؛ بنگرید: قاضی عبدالجبار، فضل الاعتزال، ص ۲۳۹.

۳. برای مشاهده نمونه‌ای از کلام ابوحاتم رازی در این باره، رک: رازی، الزینیه، ج ۳، ص ۴۳. همچنین برای آگاهی از سخنان مالک بن انس در اهمیت سنت، رک: الغامدی، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنه و الاثر، ص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ به نقل از ذم الکلام، ص ۸۸۱ و الاعتصام، ج ۱، ص ۲۳۱ و المعیار، ج ۱۱، ص ۵۳.

برخی مسایل کلامی (بر خلاف معتزله) باشد.^۱ اصحاب اثر به دلیل جمود در اخذ به ظواهر و دوری از اهل بیت علیهم‌السلام در استفاده از این دو منبع دچار انحراف شدند، ولی به نظر می‌رسد با توجه به رویکردشان، مراجعه قابل توجهی به حضرات جهت نقل حدیث داشته‌اند و حضرات نیز همان طور که اشاره شد احادیثی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی که به نظر می‌رسد راهبرد حضرت را در تعامل با دیگر فرق، به خصوص اصحاب اثر نشان می‌دهد، می‌فرماید: «خدا بنده‌ای را رحمت کند که دوستی مردم را به خود جلب نماید و سپس در حدود فهم و درک آن‌ها نقل احادیث نموده، از نقل اموری که مورد انکار آن‌هاست، خودداری کند».^۲

اما معتزله به دلیل جدا شدن از اهل بیت علیهم‌السلام، در تفکرات عقلی افراط کرده، با تأویلات بی‌معیار خود تلاش کردند جواب‌گوی سؤالات و مشکلات باشند.^۳ این امر تا جایی ادامه یافت که عمرو بن عبید به دلیل رویکرد عقلی در حدیث و تفسیر و نقد و تأویل عقلی آن‌ها،^۴ مورد نهی واصل بن عطا که خود از سران معتزله بود، قرار گرفت.^۵ این تحلیل به معنای کاستن ارزش عقل نزد صادقین علیهم‌السلام نیست. ایشان به جایگاه رفیع عقل در حوزه شناخت خداوند و درک حسن و قبح اشاره داشته‌اند^۶ و آن را هدایت‌بخش

۱. برای آگاهی از برخی شواهد درباره چنین اعتقادی در میان اصحاب اثر سلف، رک: لحمیر، الامام مالک مفسرا، ص ۶۵.

۲. صدوق، الامالی، ص ۱۵۲.

۳. رک: متن سخنرانی استاد ربانی گلپایگانی درباره دفاع عقلانی از دین در چشم‌انداز امام صادق علیه‌السلام، www.andisheqom.com؛ برنجکار و هاشمی، «عقل‌گرایی در مدرسه امامیه بغداد و معتزله».

۴. محمد، عمرو بن عبید و آرائه الکلامیه، ص ۴۴-۴۵.

۵. ابن عبید ربه، العقد الفرید، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹.

انسان و عامل دین‌داری دانسته،^۱ مقدار وجود آن در انسان را، مؤثر در حساب روز قیامت و دادن پاداش می‌دانند.^۲ همچنین خود در مواردی به تأویل عقلی آیات می‌پرداختند. امام باقر علیه السلام پس از طرح آیه ۸۱ سوره طه توسط عمرو بن عبید و سؤال وی درباره معنای غضب خداوند، آن را تأویل فرموده، به عقاب معنا کرد و در ادامه به دلیل آن، اشاره فرمود.^۳ لذا به نظر می‌رسد مخالفت صادقین علیهم السلام در برابر عقل‌گرایی افراطی - با توجه به ساحت‌های کم عقل در شناخت و آگاهی، نسبت به وسعت معارفی که اهل بیت علیهم السلام ارائه می‌دهند - و تأویلات عقلی بی‌جای آیات و روایات و عدم رجوع به ایشان به عنوان معادن علم و حکمت بوده است؛ همان طور که امام باقر علیه السلام پس از تفسیر آیه‌ای از قرآن برای عمرو بن عبید، به وی فرمود: «مردم باید قرآن را همان طور که نازل شده قرائت کنند و اگر نیازی به تفسیر آیه داشتند از ما هدایت بجویند».^۴

۵. رد روایات جعل شده توسط اصحاب اثر

یکی از گونه‌های متفاوت در مواجهه صادقین علیهم السلام با اصحاب اثر، تکذیب احادیث مجعول آنان بود. بنا بر روایتی که در صفحات قبل اشاره شد، امام صادق علیه السلام احادیثی را که گروهی به نقل از سفیان ثوری به حضرت یا پدر بزرگوارشان نسبت می‌دادند، تکذیب کرد.^۵ درباره جعل حدیث توسط این گروه می‌توان به اقدامات محمد بن شهاب زهری (م ۱۲۴ق) نیز اشاره نمود که مثلاً اخبار متعددی را در جهت تخریب شخصیت امام علی علیه السلام مطرح می‌کند.^۶ از جمله سران اصحاب اثر که به تحریف حدیث اقدام کرد، مالک

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱ و ۲۵ و ۲۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱۰.

۴. ثمالی، تفسیر ابی حمزة الثمالی، ص ۶؛ فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۵۸.

۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۲.

۶. بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۵۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۶۳.

بن انس بود. وی به لحاظ تاریخ وفاتش، اولین فردی بود که حدیث متواتر ثقلین^۱ را تحریف کرد و به جای لفظ اهل بیتی و عترتی، واژه سنت را به کار برد.^۲ علاوه بر جعل و تحریف احادیث، به نظر می‌رسد آن‌ها گاهی درصدد کتمان جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام بودند. منصور عباسی در موسم حج مالک بن انس را ملاقات کرد و از وی خواست کتابی با موضوع احکام تألیف کند تا مبنای قضاوت در قلمرو حکومت باشد و با او شرط کرد تا در این کتاب روایتی از امام علی علیه السلام نقل نکند. مالک نیز این درخواست را اجابت کرد و کتاب موطأ را تألیف کرد.^۳ مطابق روایتی نیز سفیان ثوری پس از آگاه شدن از مضمون خبری که از امام صادق علیه السلام شنیده و مکتوب کرده بود، آن را پاره کرد و از همراهش خواست تا آن را برای کسی بازگو نکند.^۴

نتیجه

در نوشته حاضر پس از بررسی مهم‌ترین گونه‌های همگرایی و واگرایی در تعامل صادقین علیهم السلام با دو گروه معتزله و اهل حدیث، تطبیق گونه‌ها در دستور کار قرار گرفت و تلاش گردید به این پرسش تا حد توان پاسخ داده شود که نوع مواجهه صادقین علیهم السلام با دو

۱. برای نمونه در میان منابع شیعی، ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۱۵؛ صدوق، *الخصال*، ص ۶۵؛ صدوق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۰۸ و ج ۲، ص ۶۸؛ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۶۴ و ۹۴ و ۲۳۴-۲۴۵؛ صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۹۰. برای نمونه در میان منابع عامه: ر.ک: ابن حنبل، *مسند احمد*، ج ۳، ص ۱۴؛ ترمذی، *سنن*، ج ۵، ص ۳۲۹؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک*، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۴۸؛ ابن عبدالرزاق، *مصنف*، ج ۷، ص ۴۱۸؛ بیهقی، *سنن الکبری*، ج ۲، ص ۱۴۸ و ج ۵، ص ۴۵؛ مسلم نیشابوری، *صحیح مسلم*، ج ۷، ص ۱۲۳؛ دارمی، *سنن الدارمی*، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲. ر.ک: مالک بن انس، *موطأ*، ج ۲، ص ۸۹۹.

۳. نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱، ص ۲۰.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۰۳.

رویکرد عقل‌گرا و نص‌گرا چگونه بوده و این ویژگی در نوع تفکر تا چه اندازه در اشتراکات و اختلافاتی که در تعامل با آنان دیده می‌شود، نقش داشته است؟ بررسی گونه‌های مواجهه حضرات با اهل حدیث و معتزله نشان داد که دو گونه همگرایی (یعنی روابط و گفت‌وگوهای معمول علمی و دینی و تلاش برای ارشاد و هدایت سران فرقه) و یک گونه واگرایی (یعنی تبیین و روشننگری نسبت به باورهای فرقه) به طور مشترک نسبت به هر دو گروه وجود داشته است. همچنین دو مورد از گونه‌های همگرایی (یعنی برقراری روابط مسالمت‌آمیز اجتماعی و توجه و احترام ویژه به سران اصحاب اثر) و یک مورد از گونه‌های واگرایی (یعنی تکذیب روایات جعل شده توسط برخی سران فرقه) به مواجهه صادقین علیهم‌السلام با رویکرد نص‌گرا اختصاص داشته است و دو مورد از گونه‌های واگرایی (یعنی مذمت فرقه و توییح سران آن و آموزش اصحاب جهت مناظره و گفت‌وگو با سران فرقه) به مواجهه با رویکرد عقل‌گرا اختصاص دارد. تحلیل این موارد اشتراک و اختلاف در بررسی تطبیقی نشان داد که به دلیل حضور برخی سران اصحاب اثر در مدینه و کوفه به عنوان مکان‌های تجمع شیعیان و ائمه علیهم‌السلام، تعامل اجتماعی بیشتری بین آن‌ها برقرار بوده و مدارا و تقیه از راهبردهای اساسی حضرات در تعامل با آنان به شمار می‌رود. همچنین رویکرد اصحاب اثر نسبت به روایات و توجه بیشتر به حضرات برای اخذ نصوص، در مقایسه با تعامل آن حضرات با معتزله، همگرایی بیشتری را به دنبال داشته است. از طرفی تأویل‌های بی‌جای معتزله درباره ظواهر قرآن و سنت و نیز شدت فعالیت‌های تبلیغی آنان، واگرایی بیشتری را در مواجهه حضرات با آنان به دنبال داشته است.

منابع

۱. آقانوری، علی، پایان‌نامه برخوردار امام صادق علیه السلام با منحرفین کلامی، دانشگاه قم، ۱۳۷۴.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، افسست از روی چاپ دوم قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۵.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن حمدون، محمد بن الحسن، التذکرة الحمدونیة، بیروت: دار صادر للطباعة و النشر، ۱۹۹۶م.
۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف: مکتبه الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
۸. ابن طاووس، فلاح السائل، مخطوط، (نرم‌افزار مکتبه اهل بیت علیهم السلام).
۹. ابن عبد ربه، العقد الفرید، تحقیق مفید محمد قمیحه و عبدالمجید ترحینی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۱۰. ابن عبدالرزاق، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی.
۱۱. ابن عدی، عبدالله، الکامل، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.
۱۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عقده الکوفی، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق عبدالرزاق محمد حسین فیض الدین.
۱۴. ابن ندیم، فهرست، تحقیق رضا تجدد، (نرم‌افزار مکتبه اهل بیت علیهم السلام).
۱۵. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم المظفر، نجف: منشورات المکتبه الحیدریة و مطبعتها، قم: موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۳۸۵ق.
۱۶. اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمة، بیروت: دارالاضواء.
۱۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.

۱۸. انصاری الهروی، ذم الکلام و اهله، مدینه: مکتب العلوم و الحکم.
۱۹. بابایی، سعید، سیره امام صادق علیه السلام در برخورد با اهل سنت، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
۲۰. بحرانی، سیدهاشم، حلیه الابرار، اول، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۲۲. برقی، احمد بن محمد بن الخالد، محاسن، طهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۲۳. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، قم: انتشارات کتاب طه، ۱۳۹۶.
۲۴. برنجکار، رضا و ریحانه هاشمی، «عقل گرایی در مدرسه امامیه بغداد و معتزله»، مجله فلسفه دین، بهار ۱۳۹۳، ش ۱۸.
۲۵. پاکتیچی، احمد، «صحاب حدیث»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. ترمذی، سنن الترمذی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۳ق.
۲۷. ثمالی، ابوحمزه، تفسیر ابي حمزة الثمالی، دفتر نشر الهادی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. جعفریان، رسول، مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه تا آغاز دوره انحلال معتزله، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۹. حافظ الاصبهانی، ذکر اخبار اصبهان، ۱۹۳۴م، (نرم افزار مکتبه اهل بیت:).
۳۰. حاکم نیشابوری، المستدرک، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، (نرم افزار مکتبه اهل بیت:).
۳۱. حسینی، سیدعبدالله، تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
۳۲. حسینی میلانی، علی، دستبردی در حدیث ثقلین، ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی، قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۳. _____ رساله فی حدیث الوصیة بالثقلین الكتاب و السنة، قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۶.

٣٤. حلی، علی بن یوسف، *العدد القویة*، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی، ١٤٠٨ق.
٣٥. خراز قمی، کفایة الاثر، قم: انتشارات بیدار، ١٤٠١ق.
٣٦. دارمی، عبدالله بن رحمن، *سنن الدارمی*، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩.
٣٧. ذهبی، محمد بن احمد، *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٨. —، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب ارنائوط و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
٣٩. رازی، ابوحاتم، *الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة*، قاهره: مطبعة الرسالة، ١٣٣٦.
٤٠. سبحانی، جعفر، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسة الامام الصادق علیه السلام، ١٤١٨ق.
٤١. السید المرعشی، شرح *احقاق الحق*، قم: مطبعة الخيام، ١٤٠٦ق.
٤٢. شهرستانی، ابوفتح محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
٤٣. صدوق، *الامالی*، مرکز الطباعة و النشر لموسسة البعثة، ١٤١٧ق.
٤٤. صدوق، *التوحید*، منشورات الجماعة المدرسین.
٤٥. صدوق، *الخصال*، قم: منشورات الجماعة المدرسین، ١٤٠٣ق.
٤٦. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
٤٧. صدوق، *فضائل الاشهر الثلاثة*، بیروت: دارالمحجة البيضاء للنشر و التوزیع، ١٤١٢ق.
٤٨. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم: موسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٥ق.
٤٩. صدوق، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ١٣٦١.
٥٠. صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، قم: منشورات الجماعة المدرسین، ١٤٠٤ق.
٥١. صفار، محمد بن الحسن، *بصائر الدرجات*، طهران: مطبعة الاعلمی، ١٤٠٤ق.
٥٢. طالبان، محمدرضا، *روش‌شناسی مطالعات انقلاب*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
٥٣. طبرسی، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: موسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ١٤١٧ق.
٥٤. طبرسی، *الاحتجاج*، نجف: دارالنعمان للطباعة و النشر، ١٣٨٦.

۵۵. طبرسي، علي، مشكاة الانوار في غرر الاخبار، دارالحدیث، ۱۴۱۸ق.
۵۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
۵۷. ——— الامالي، دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۵۸. ——— الفهرست، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۵۹. عاملی، علي بن یونس، الصراط المستقیم، المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۴.
۶۰. عده محدثین، الاصول الستة عشر، قم: دارالشبستری للمطبوعات، ۱۴۰۵ق.
۶۱. عسکری، سیدمرتضی، معالم المدرستین، تهران: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۲ق.
۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، طهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
۶۳. الغامدی، عادل عبدالله سعد، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ریاض: دارالمنهج الاول للنشر، ۱۴۳۶ق.
۶۴. فخر رازی، المطالب العالیة من العلم الالهی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۶۵. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، طهران: مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶۶. قاضی عیاض، ترتیب المدارک، تحقیق ابن تاویت الطنجی و عبدالقادر الصحراوی و محمد بن شریفه و سعید احمد اعراب، مغرب: مطبعة فضالة المحمدية.
۶۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
۶۸. کافی، مجید، جامعه شناسی تاریخی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۶۹. کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، قم: مكتبة المصطفوی، ۱۳۶۲.
۷۰. کلینی، الکافی، طهران: دارالکتب الاسلامية، ۱۳۶۳.
۷۱. لحر، حمید محمد، الامام مالک مفسر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۷۲. مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۳. محمد، سید محمد صالح، عمرو بن عبید و آرائه الكلامية، قاهره: دار قباء للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۹۹۹ق.

۷۴. مزی، تهذیب‌الکمال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۷۵. مسلم نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۷۶. مصباحی، عبدالله، «بررسی رویکرد عقلانی معتزله در اعتقادات»، فصلنامه کلام اسلامی، بهار ۱۳۹۱، ش ۸۱.
۷۷. مظفر، محمدحسین، الامام الصادق علیه السلام، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۷۸. مغربی، نعمان، شرح الاخبار، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۷۹. مفید، الارشاد، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۸۰. — الامالی، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۸۱. ملک مکان، حمید و سیدحسن طالقانی، «چیستی عقل در عقل‌گرایی معتزله»، فصلنامه کلام اسلامی، زمستان ۱۳۹۱، ش ۸۴.
۸۲. منسوب الی الامام العسکری علیه السلام، تفسیر الامام العسکری علیه السلام، تحقیق مدرسه الامام المهدي علیه السلام، برعاية الحاج السيد محمدباقر نجل المرتضى الموحّد الأبطحي، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۸۳. نجاشی، رجال النجاشی، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۸۴. نجفیان رضوی، لیلا، «واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی: زبیده، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵ هجری»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، بهار ۱۳۹۱، ش ۱۱.
۸۵. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، تحقیق موسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، بیروت: موسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.